پرچم

ارگان ناشران دمکراتیک و دموکراتیک آگاهی توده‌ی

۲۸ دلو ۱۳۴۷

رویدادهای مهم

جهان در هفتهٔ گذشته

اعلامیه وزارت داخلهٔ جمهوریت دموکراتیک المان

وزارت داخله‌جمهوری دموکراتیک‌آلمان اعلامیه‌ئی نشرکرده ودرآن‌گفته است که تا یاد داشت ثانی به‌نمایندگان اسامیله فدرال و همچنان به مستخدمین اسامیله فدرال آلمان‌غرب که قرار است در برلین غربی تشکیل جلسه بده ند ، اجازه عبورازخاك آلمان شرق فی داده نخواهد شد . هکذا در اعلامیه گفته شده‌است‌که به موادکارآمد اسامیله‌فدرال آلمان غرب نیز اجازه حمل و نقل‌ازطریق‌جمهوری دمو کرا تیك آلمان داده نخوا هدشد.

همچنان دراعلامیه علاوه شده‌است‌که تایادداشت ثانی به جنرالا ن و منصبدارا ن اردوی آلمان غربی ، به اعضای ا ز کا ن حرب عمومی آلمان غرب و اعضای کمیته دفا عی پارلمان‌وتمام اعضای اردوی آلما ن غرب اجازه داده نمی‌شود از خاك آلما نشرق بر لین غربی واز بر لین غربی واز طریق آلمان شرق به آلمان‌غرب عبور ومرور نما یند.

به اشترا ك کنند گان در اسا میله‌مجوزه فدرال در برلین غربی و مستخدمین آن ، دخول به پایتخت‌آلمان شرق ممنوع قرار داده شده است .

دراپلاغیه منتشره‌ازدفترمطبوعاتی‌صدراعظم گفته می‌شود‌که: حکومت آلمان شرقی به وزیر دا خله آن‌کشورصلاحیت داده است تا مقررات ۱۰ مارچ و۱۳ ـ اپریل ۱۹۶۸ راجع به‌حفظ جمهو ریت دمو کراتیك آلمان وشنیرپان آن در برابر نیو نازیها ی آلما ن غرب‌وبرلین‌غربی‌رابموسته مورد تطبیق قرار دهد . از عبورورزاء و دیگر ما مورین عسالی رتبه آلما ن غرب از طر یق آلما ن‌شرق جلوگیری نما ید ودراین باره تدا بیر مزید ایجاد کنند .

به تاکید‌گفته شده‌است‌که حکومت‌آلمان غربی مسؤولیت کامل عوا قب اعمال خودرا که‌با حقوق بین الدول‌متضاد است بعهده دارد .

از اعلامیه مشترك اتحاد شوروی وجمهوری یمن جنوبی

دراعلامیه مشترکی که در ختم‌بازدید رسمی فحطان‌الشعبی رئیس جمهور جمهو ریت مردم یمن جنو بی‌دراتحاد شوروی نشر گر دید گفته شده‌است که :اتحاد شوروی آمادگی‌خودرا برای دادن کمك اقتصا دی و فر هنگی و تقویه طر فیت دفا عی‌جمهوریت مردم یمن جنوبی ا ظهار دا شته است .

جانب شوروی اعلام نموده که‌به‌پشتیبانی اکید خود از مبا رزه‌عادلانه اعراب در راه ا ز بین بردن آثار تجاوزاسرا ئیل ، بخاطر عقب کشید ن‌قوای نظامی اسرا ئیل از سر زمین ها ی‌عرب در آینده تزیداده‌خوا هد داد.

حکومت اتحاد شوروی ، حکو مت‌جمهو ریت مردم یمن جنو بی را ز اقدا ما ت جدیده راجع به حل برابلیم‌شرق‌میانه اطلاع داده است .

جانبین گفته اند که باید تحکیم‌صلح در منطقه شرق میانه بر اساس احترام به حقوق‌مشروع ملل عرب،به شمول‌اعراب فلسطین‌صورت‌گیرد.

طر فین سیا ست‌جدیدواستعما ری‌قوای امپر یالستی را در آ سیا ، افریقا وامریکای لاتین قو یا محکوم‌نمودند و پشتیبانی شانرا از مبارزه عادلانه خلقها بخاطر امحای کا مل‌سیستم استعما ری ، بخاطر آزادی واستقلال بیان نمو دند .

اتحاد شوروی و جمهوریت مردم‌یمن جنوبی همبستگی بر ا د وار شانرا بامبارزه قهرمانانه خلق‌وپتنام‌اظهار کر دند .

جا نبین عقیده دا ر ند که قطع‌بمباران بر سر ز مین جمهو ر ی دمو کراتیك وپتنام‌وکنفرا نس‌چهارجانبه نی که با شتراك نما یندگان جبهه آزادی بخش و پتنام جنوبی‌در پاریس افتتاح گردید، پیروز ی بزرگ خلق و پتنام ، نما م‌شریت‌صلح دو ست ، و شکست‌امپریالیزم امر یکائی وامپر یالیزم بین المللی‌محسوب میگردد .

هر د و طر ف سیا سا ست صلح‌جو یانه نی‌را به برلین غربی واز بر لین غربی واز طریق آلمان شرق به آلمان‌غرب عبور ومرور نما یند .

به اشترا ك کنند گان در اسا میله‌مجوزه فدرال در برلین غربی و مستخدمین آن ، دخول به پایتخت‌آلمان شرق ممنوع قرار داده شده است .

بمنظور روشن‌شدن اذهان‌هموطنان درمورد «کمك ها ی» احتما لی بانك بین المللی به نفع آلما ن ، و‌شناخت آن، مختصرا دربا رهٔما هیت واقعی، کرید ت‌ها وشرا یط نا دیده قرضه های بانك بین المللی ، که در آن هیچ‌گونه کمك ی‌در کار نیست ، ذیلا می آید :

بانك‌بین‌ا لمللی عضا ن مجدد و تحت‌فیود ا لکتا تو ری آلما ن ، از سپتمبر ۱۹۴۴ تا سپتمبر ۱۹۵۱ ، که‌در سا لهای‌گم رشد گردیدند و کنون دا را ی ۱۰۷ عضو ا زبن شرا یط بطورمثال اینست که می‌با شد (کشور ها ی سو سیالستی کشور و در آن عضویت ندا رند) که‌ازسرما یه جمع شدهٔ اعضا یه کشور ها ی‌عضو فقط سرما یه پر دا خته شده‌آن قر ضه میدهد. دراخیر سا ل ۱۹۶۷ مجمو ع سرما یه پردا خته شده‌آن ۲۳۰۰ ملیون دالر بود . **این بانك یکی‌ازمو سسات عمده‌ما لی‌بین‌المللی است که‌درواقعیت امر بحیث وسیلهٔ پشتیبد سیا ست استعماری نوین تو سط نیرو ها ی امپریا لیستی استعما ل می گردد .**

بانك بین المللی گر چه تو سط کشور فرو شنده و خریدار بلند تعیین گردده وکشور دریا فت کننده از تا ریخ اسعار خا ر ج‌به تمام دول عضو اشتراك می‌نمایند، یك هیات گورنران که در آن اسما ء دست کشور ها ی عضو دارا ی ر ا ی‌بیشتر فتا ید، سرما یه دا ری ودر راس آن ایالات متحدهٔ امریکا قرا ر دارد.در رئیس آن معمولا امریکا ئی نی میباشد(فعلا مکنامارا سابق وزیر دفاع امریکا). سیستم عمده در سرما یه دا ری‌بانك نیز متعلق به این کشور ها ست: ایا لا ت متحده امریکا ۶۳۵ ملیون دا لر، انگلستا ن ۲۶۰ ملیون،جمهوریت‌اتحاد ی‌آلمان ۱۲۸ ملیون و فرا نسه ۱۰۵ ملیون دالر .

بدینجهت‌کشور ها ی‌امپر یالیستی این بانك را تابع منا فع سر ما یه داری خویش گردا نیده اند. گرچه این بانك اسما یك موسسه بین المللی می‌با شد که در تحت سپر و حمایت ملل متحد فعالیت می‌نماید . اما کشورهای دیگر عضو نه تنها نقشی در آن ندا رند ،بلکه‌از اینطر یق سی تو سط کشورها ی امپریا لیستی استثما ر میشوند .

بغرض دا شتن تصور ی درمورد «کمك ها ی» احتما لی بانك بین المللی به نفع آلما ن و شناخت آن، مختصرا دربا رهٔما هیت واقعی، کرید ت‌ها وشرا یط نا دیده قرضه های بانك بین المللی ، که در آن هیچ‌گونه کمك ی‌در کار نیست ، ذیلا می آید :

بانك‌بین‌ا لمللی عضا ن مجدد و تحت‌فیود ا لکتا تو ری آلما ن ، از سپتمبر ۱۹۴۴ تا سپتمبر ۱۹۵۱ ، که‌در سا لهای‌گم رشد گردیدند و کنون دا را ی ۱۰۷ عضو ا زبن شرا یط بطورمثال اینست که می‌با شد (کشور ها ی سو سیالستی کشور و در آن عضویت ندا رند) که‌ازسرما یه جمع شدهٔ اعضا یه کشور ها ی‌عضو فقط سرما یه پر دا خته شده‌آن قر ضه میدهد. دراخیر سا ل ۱۹۶۷ مجمو ع سرما یه پردا خته شده‌آن ۲۳۰۰ ملیون دالر بود . **این بانك یکی‌ازمو سسات عمده‌ما لی‌بین‌المللی است که‌درواقعیت امر بحیث وسیلهٔ پشتیبد سیا ست استعماری نوین تو سط نیرو ها ی امپریا لیستی استعما ل می گردد .**

از (ص اول)

بانك جهانی از کشور بینوای ما ...

از آن جا ئیکه دا را ئی با نك بین‌المللی با لنسبه کوچك میبا شد. بنابرآن مجبوراست که‌از انحصارات با نکی بزرگ قرضه بگیرد. چنانچه قروض‌آن ازین بانکها در اخیر سال ۱۹۶۷ به ۳۴۰۰ ملیون دا لر (بیشتر ازمجموع سرما یه خود آن) با لغ میگردد به‌کا ین امر یکبار دیگر ازآن تذکربعمل آمد. اما با یه دید بو ضاحت نشا نمیدهد که آمرو کار فرما ی فا قعی با نك کیست و منافع چه کسا نی رابانك بین‌المللی به پیش می برد .

سرما یه ما لی بین المللی ، بانك رابه مؤسسه‌ئی میدل کرده است که این سرما یه گذاری‌های‌خصوصی جریا ن سرما یه دا ر کشور ها ی‌صنعتی را در قبال نفوذ «مشاور ین اقتصا دی» امریکا ئی و آلما نی وتسخیر تدریجی ما نیجمنت در صنو ع نی تا حد ضرر به تاد یه‌گردیده می باشد که یك کشور آنرا به عین شرا یط از منابع خصو صی به دست آورده تنوا ند .

فعا لیت‌ها ی یکی‌ازمو سسات اختصاصی آن ـ کور برا سیو ن‌مالی بین‌ا لمللی ـ تابع‌عین هدف‌می‌باشد. این موسسه‌ئی‌است که‌ازطریق‌ا عطای وعلاوتا حق خریدا ری‌اسپرام منفعت آورزا در کشورها ی کم رشد نیز برای وعده دا ده شده‌که‌نوع کرید ت نی را ، شود که‌نوع کرید ت نی را ، بر ا ی‌سرما یه گذا ری‌خصوصی در کشور های عضو مدا خله می‌نما ید . بطور مثال در خوا ست جمهوریت عربی متحده را برای گرفتن قرضه بمنظور بنا ی‌سد عا لی نی‌که‌ازطریق‌ا عطای قرضه بشکل توظیفه آمیزی از طرف حکومت زمینه نفوذ گزاری فراهم میگردد ودربرابر موسسات مفید عامه ،علاوه بر سوء استفاده های بزرگ واختلاس ها ، عمدا کار شکنی میشود ؟ جواب روشن است: هیات حاکمه کشور دارا ئی پیوند ما فیعکیه با ملاکان وتاجران بزرگ دارد. واز منافع‌آنان نما ینده‌گی‌مینما یدنو با پر تعبیت‌ازسیاست استعمار نوین امپریالیستی،دربرابر تقویه «مؤسسات اقتصادی دو لتی» نه تنها توظیه آمیز عمل‌مینما یند،بلکه این موسسات به نفع تروتمندان، به خصوص بورژوازی کمپرادور‌وتجارتی تمام مردم تر کیه تقاضا نمودند‌که‌ورود کشتی های امر یکا یی را به سواحل تر کیه‌باتظاهرات اعتراضیه‌خود نمایند . در اعلا میه محصلین گفته شده است که :«امپر یالیزم امریکا دشمن‌خلق ترکیه است» ،«کشتی‌های امریکا کشتی‌های جنگی ویتنام است،مردم استانبول‌ا زمحاصره کشتی ها استقبال کردند . تعدا دزیاد پولیس تشد یداستانبول‌ا زمحاصره نمودند وبا وجود ترتیبات شد یدامنیتی ،محصلین هزاران ورق فی صد امر یکائی را یحش نمودند . دراین‌اوراق گفته‌شده که :«امریکائیها‌دور شوید!»، «کشتی های ا مر یکا ئی‌کشتی‌های جنگیست !».

رو ز نامه اقتصاد ی‌مر یکا ئی کشتی‌های ما ، احتما لی دا ئیر کشتی ها در بندرتر کیه اتلا ف خا نه ا ند !.

امر یکائی دراین کشتی ها در بندرتر کیه اتلا ف خا نه ا ند !.

قرار معلوم (۱۷۶) سازمان کارگری بشتیبا نی خودرا از محصلین تر کیه اعلان وچهاریعملی این مسافرت‌را تقبیح کردند .

قرار اطلاع تظاهر کنند گان‌بیرق‌امریکا رابپاره کردند وتصاد ما تی بین عده ئی از عسا کر امر یکائی ومظاهر چیان رخداد . جر ا ید تر کیه‌شدیداً‌مورد اعترا ض قرارداده‌اند . ایشان طی اعلا میه ئی از تر کیه شدیداً‌خوا ستند که‌ازطرف نیرو ها ی تر کیه جلو تجا وزات نیرو ها ی امر یکا یی گرفته شود .

پرسش

دا متیاز خانوند اوصؤول مدیر : سلیمان لایق

دیوی گنی یه : ۵۰ر۲ ـ افغانی

مطبعه دولتی

دست سی . آی . ای . در تعرض اسرائیل بر میدان هوائی بیروت

روزنامه المحرر چاپ‌لبنان‌مینویسد:درین اواخر استدادی انتشار یا فته‌که بر اساس آن تمام نقشه و ترتیبات‌حمله هلیکوپتر های اسرائیلی بالای میدان هوائی بیروت، توسط اداره‌جاسوسی‌سیا (سی.آی.ای.امریکائی)ترتیب‌شده بود وماموربن‌این اداره که‌تعداد شان در میدان هوائی بیروت خیلی زیاد میباشد ، با اسرائیلی ها‌کمك‌های فوق العاده نموده بودند . باین معنی که ماموربن اداره «سیا»به‌اسرائیلی‌ها اطلاع داده بودند که درفلان وقت معین تعداد زیادی ازطیارات لبنانی درمیدان هوائی بیروت‌توقف می نمایند . قرار اطلاع دیگریکی از فعالترین ما موران اداره «سیا» جوزیع نام دارد :

وزیر مالیه و نظام مالیاتی ...

از (ص دوم)

سرمایه گذاری دولت درموسسات بانکها و تصدی های عام المنفعه و انتفاعی سبب بوجود آمدن منابع عایداتی دیگری برای دولت بوده است ».

پرچم : وقتیکه حکومت نتواند و نخواهد از طریق مالیات مستقیم مترقی عوایدش بدست آورد ، راه سادهٔ حصول عاید ،مالیات غیر مستقیم است ؛ چه میتوان آنرا با استفاده بیخبری مردم که مالیه دهندگان واقعی اند ، حاصل کرد .

ترتیب قابل ملاحظه در میزا ن مالیات غیر مستقیم از یکسال تاسال دیگر خود درجهٔ روز افزون قضا یا مالی را برخلق کشور نشان میدهد و نمایندگی از پالیسی نادرست مالی حکومت مینماید .

ـ همگامیکه بنیاد گزاری وزیر مالیه جبهه آزادی ملی عقب نشینی کردند‌ودر نبرد های اطرا ف سیگو ن در حدود (۵۰۰) امر یکا ئی بقتل‌رسید.

درویتنام‌شمالی‌باسقوط دادن‌آخرین‌طیاره اکتشا فی امر یکا ئی ، تعداد طیارات سقوط داده شده بر ویتنام‌شما لی به ۳۲۶۲ عدد بالغ گردید.

در کنفرانس پاریس نیز کدا م‌پیشرفت محسوس بعمل نیامده‌است. نطاق جبهه آزادی ملی و ویتنام‌جنوبی کمت که‌امریکادرراه موفقیت کنفرانس موانع ایجاد می نما ید .تازما نیکه امر یکا این رو ش شن خودرا اصلاح نکند که ما یی بی‌نتیجه نمی‌ما ند .

وقتی که با اعترا ف ایو ز بل‌هر پس سابق رئیس هیات اتر یکا در کنفرا نس‌پاریس‌هم ویتنام‌شما لی‌وهم جبهه آزادی ملی خوا ها نی‌صلح میباشد هر نوع مشکل ترا شی درراه پیروزی کنفرانس نشان میدهد که این‌امریکاست که‌صلح نمی‌خواهد.

نبرد عادلانه خلقهای عرب علیه اسرائیل وسعت می یابد

جنگهای آزادیبخش ملی مبارزین‌الفتح قهرمانانه‌وبشدت‌علیه‌اشغالگران اسرائیلی ادامه دارد و هـر روز درعملیات مختلف جنگی تلفات سنگین ما لی وجانی به متجاوز ین رو ا ردمی آورند .

موج نظا هرات علیه هو جودیت‌نیرو ها ی‌ تر اسرا ئیل در مناطق‌تحت اشغال درادرن و فلسطین و غزاوه‌هی گیرد . در منطقه غزه یك مظاهره کشتی ها استیقبال کردند . تعدا دزیاد پولیس تشد یداستانبول‌ا زمحاصره نمودند وبا وجود ترتیبات شد یدامنیتی ،محصلین هزاران ورق فی صد امر یکائی را یحش نمودند . دراین‌اوراق گفته‌شده که :«امریکائیها‌دور شوید!»، «کشتی های ا مر یکا ئی‌کشتی‌های جنگیست !».

زنان اردنی در شهر عمان‌درمقابل‌نما یندگی های خارجی به مظاهره بر دا خته‌اند .

همچنا ن با شنده ئی‌که‌ازطرف نما یندگان شهر نا بلوس‌به تظاهرات شدید علیه اشغا لگران اسرائیلی ادامه میدهند . در نتیجه‌این مظاهر ات تا کنون (۳۰۰) نفر تو قیف گر دیده اند . د ر شهر بیت‌المقدس نیز مظاهرا ت دست گرفت. درالر فیه پولیس بال طلعربی‌گشته شد. درمقدس در پای اردن نیز نقا ط هرات اعترا ض آمیزعلیه اسرا ئیل صورت گر فت ودهها نفر زنا نی ا ش شد .

موج نهضت ضد امپریا لستی در ترکیه

محصلین تر کیه مسا فرت «حسن‌نیت»کشتی های امریکا رابه بنا در تر کیه شدیداً‌مورد اعترا ض قرارداده‌اند . ایشان طی اعلا میه ئی از

پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

عمر فیض- کلکسیون برچم اهدا براگ آن هایی که برچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

شماره (چهل‌وهشتم) دوشنبه ۲۸دلو ۱۳۴۷ ـ ۱۷ فبروری ۱۹۶۹

ببرك كارمل

وظایف جوانان ما

قهرمانیهای جوانان ما در جنگ‌عادلانه‌ضد امپریا لیزم انگلیس ،درمبارزه علیه‌رورژاختناق‌بعدازدهه‌اول استقلال ،در راه تامین مشروطیت‌در راه آزادی ودمـو کراسی ، بزرهشت چهار سال اخیر کـبیر ، در روز خونین سه عقرب (که آنرابخش میتوان روز جوانان افغانستان‌اعلام نمود) وغیـره لست تاریخ مبارزات نجات بخش‌کشورماست .مجموع مبارزات مردم ما در نیم‌قرن‌اخیر که جوانان مسلم قهرمانی در آن داشتند ،نشانده‌نده این حقیقت‌است که جنبش دموکراتیك ملـی‌ضـد امپر یا لیستی و ضـد ـ فئـو د ا لـی مـبارز جهـت تحول کیفی خود رشنه می یا بد .اکنون جنبش افغانستان علی‌رغم مقاومت و خنیانهٔ ارتجاع درکشوروپوا صف شکستیها و ما یوسیها، بی اعتمادی هـا و نفاق در میـان جوانان ، بسوی پیروزی گـام پـرمیدارد .

معهذاسوالاتی مطرح بحث قـرا رمی گیرد که آیا جوانان ما بخاطربه پیروزی رسا ندن جنبش‌افغانستان بوظایف اساسی خود ، طبق‌موازین‌و قواعد اخلاق مترقی و نوین کاملا آگاهند ؟ باسخ درست باین سوال ما را در موضع طرح و طـا بق‌اساسی و عمومی جوانان کشور‌قرارمیدهد .

وظایف اساسی جوانان ما:

یکی از بست تـرین شیوه های سیاست داخلی هیات حاکمه‌ارتجاعی افغانستان همانا سیاست فـا سد ساختن جوانان نجیب و شجـا ع‌افغانستان، به طرق و و سـا یـل‌مختلف است . عمـال اجنبی با دستیاری ارتجاع سیاه کشور به‌استفاده از زرادخانهٔ سیاسی وایدئولوژیك امپریالیزم و سوء استفاده از احساسات و معتقدات مردم و از طریق بخش ایدیشه های جزا فی و افترا آمیز به ایدئو لو ژی مترقی و پیشرو ، ابلیس مایانه تلاش‌می‌ورزند تا افکار پاك جوانان ما را مسمـوم و آنها را دچـار کـمراهی سازنده واز اشاعـه دانش نـوین و جهانبینی علمی جلو گیری نمایند . و بدینگونه و فیلسوفان طا ئفیه جوانان را بر ا ی لحاظ طرح میکردند ، باید بگوئیم که یك منبع عواید عمنوی است درسال ۱۲۹۹ به نرخ همان سال ارزشیی‌به نقدی تسعیر ودر ظرف پنجاه سا ل گذشته تنها یك مرتبه درسال۱۳۴۴ به تسعیر آن تجدید نظر شده ....

... محصول مواشی بحیث پشمینه است درسال عواید مستقیم بعد از تحول از نوع جنس به نقد تاسال ۱۳۳۵ به یـك اساس وبعد باتجدید نظر تحصیل و اخیرا در سال ۱۳۴۵ از قلم عوایـد دولت فعلا حذف شده تلقی‌میگردد .»

پرچم: با ملاحظه این واقعیت تلخ که در بیانیه شاغلی وزیر مالیه بـه صراحت موجوداست،بجز اینکه‌زهـر ـ خندی تحویل مقامات حاکمهٔ کشو ر داد ، دگر چه میتـوان گـر د ا ! انتقاد شدید بر چنین پالیسی مالی نمیتواند حق مطلب را ادا نمـایـد . تعجب آور است که وزیر مالیه‌کشور خود میگوید که فقط در سال ۱۲۹۹ مالیه ارا ضی به نرخ همان وقت از جنسی به نقدی تبدیل میگردد ونرخ تسعیر تا پنجاه سال دیگر همچنان باقی میماند ، در حالیکه درین مدت قیمت ها بیشتر از ده فیصد ارتفاع نمیابد ،ملاکان بزرگ‌میلیونها ثروت می اندوزند وده ها تغییر دیگر واقع نمیگردد .

شاغلی وزیر مالیه ناگـزیراست اعتراف نماید که نظام مالیاتی کشور وبخصوص مالیه ارا ضی یکـی از ابتدائی‌ترین، فرسوده‌ترین‌و بی‌کفایت‌ترین سیستم مالیاتی در جهان‌است، اما نمیخواهد به جرات این انتقـاد را برخود وحکومات سابق واردآورد بلکه هر روز نسبت بـروز دیگـر عقده‌ئی بر عقده های آنان می‌افزایند وحتی حقوق مسلم قانونی آنانـرا دا خلی کشور های عضو مـدا خله می‌نما ید . بطور مثال در خوا ست جمهوریت عربی متحده را برای گرفتن قرضه بمنظور بنا ی سـد عا لی نی‌که‌ازطریق‌ا عطای قرضه بشکل توظیفه آمیزی از طرف حکومت زمینه نفوذ گزاری فراهم میگردد ودربرابر موسسات مفید عامه ،علاوه بر سوء استفاده های بزرگ واختلاس ها ، عمدا کار شکنی میشود ؟ جواب روشن است: هیات حاکمه کشور دارا ئی پیوند ما فیعکیه با ملاکان وتاجران بزرگ دارد. واز منافع‌آنان نما ینده‌گی‌مینما یدنو با پر تعبیت‌ازسیاست استعمار نوین امپریالیستی،دربرابر تقویه «مؤسسات اقتصادی دو لتی» نه تنها توظیه آمیز عمل‌مینما یند،بلکه این موسسات به نفع تروتمندان، به خصوص بورژوازی کمپرادور‌وتجارتی وابسته بارز هم به برخی از مشکلات صنعتی ازورزشگران ، که وظیـفهٔ بزرگ آموزش وپرورش کودکان و جوانان ما را دارین مرحلـهٔ حساس بعهده دارند ،یعنی معلـمان کشو ر توجه کنیم ،بخصوص آنعده ازمعلمان فدا کاریکه دوراز یار ودیار وخانه و فامیل خویش ، دراطراف واکـناف دوردست وطن‌عزیز مشغول‌عرفریزی وخدمتگزاری اند . اخیرا باتنی چند از نمایندگان این کروه زحمتکش تماسی صورت گـرفـت ودفتری از شکایات وفهرستی از مشکلات خویش عرضه گردیدکه‌در رؤس مطالب آن چنین است :

ـ معاش معلمان ولایات اکثریعد از ۳-۲ ماه اجـرا می شود . آنان مجبورند هزینهٔ زندگی خودرا درین مدت ودر عالم مسافری وناشنا سـی با قبول صد ها آبرو ریزی و ذلـت استقراض از این وآن تدارك کنند.

ـ نه از معاش منطـقـوی (مانند سایرمامورانوزارت خانها) برخو ردارند ونه محلی برای رهایش آنا ن تهیه دیده می شود .

ـ معاش مسلکی آنها سالها قبل یك برسـه‌حصهٔ معاش‌اصلی سنجیده

(ص ۳)

بارق شفیعی

شرایط زندگی وکار معلمان فداکار

کشور طاقت فرساست!

کشور روز تاروز رقت انگیز تـر و طاقت فرساتر می شود . در آمـد عرق العاده تا چیز و بلند رفتن‌رسـم آور قیمتها ، آوارگی دربی‌سر پناهی وناشنیدگی مسیری تا پذیر صاحبا ن منازل وآبارتمانها ی‌کرایی ، هجوم امراض گوناگون وفقدان‌مدعیتی وسایـل تداوی ، فقر غـذائـی وکار مداوم دماغـی ، عـدم وصا یـل انکشاف سویـهٔ علـمی و مسلکی وفقدان تشویقها یی لازم دربن‌زمینه ،وجود تبعیضات کو ناگون‌مدعیتی ، نژادی، لسانی ، محلی .... وسایر ملاحظات ضد قانونی وضد عدالت اجتماعی که در فاقد اولیای امورد ین برابر حقوق وشئون اجتماعـی و انسانـی‌اصناف روشنفکر از آن کار گرفته می شود، همه وهمه به دست هم داده ، بنیچه های بی‌رحم وکشنده خویش را بگلوی صنوف مختلف روشنفکران کشور بلا کشیده ها فرو میبرنـد . ولی نه تنها هیچ مقام مسؤو لی شـورای ملـی ـ ولـسی جرگـه ـ افغانستان) .

یادداشت: مضمون فوق‌بمثابه‌نامه هیـدری وهمبستگی عنوانی سپیـر ـ اکلاماوی ، رئیس قدوا میون‌کل‌ژنان عرب (قاهره جمهوریت متحدعرب) نیز ارسال گردیده است .

دیشتو نستان او پاکستان دخلکو ستر بری

عبدالولی‌خان‌او ښاغلی اجمل‌خټك دنیشنل عوامی گوند لار ښوونکی‌له خپلښاه خلاصون، چه پرته د آزادی، دموکراسی او دخو اړادیت دحق له غوښتلو نه‌بی بله گناه‌نه لرله ـ او دډیرحبس بخیل‌واډیوجاږانه عمل‌وڅه هیات ، دامپریالیزم داهواداران بـه مجبور شی چـه به پښتو نستان ، بلوچستان او ټول پا کستان‌کی خپل خپلواکی اعمال پای‌ته ورسوی او په نتیجه‌کی به‌پاکستان‌کی‌دموکراتیك ژوند بیا ژوندی شی، دپښتونستان د بلو چستان‌ملت به دخپل‌سرنوشت ډاډکلو حق ترلاسه کړی .

به‌پای کی دافغا نستان دخلك ـ دموکراتیك‌قوت‌یوخل‌بیادپښتونستان‌ او بلوچستان او پاکستان دخلکو‌عادلانه مبا رز ژوند سره‌ دملا تړ ی او پیوستون له اعلان کوی ای دی ته بامللړنه ضروری ګڼی چه دپښتونستان او پا کستان دپښتنل عوامی گوند او نورو ضد استبدادی اوضد استعماری قو تونو او پاکستان دخلکو دابری،به دآزادی، دموکراسی او استقلال په عرصه‌کی وړاندی یا وروسته نوری کا مبا بـی هم نر لاسه‌کړی .

موږ یقین لرو‌چه دیا کستا ن‌خا‌کهٔ هیات ، دامپریالیزم داهواداران بـه مجبور شی چـه به پښتو نستان ، بلوچستان او ټول پا کستان‌کی خپل ضد دموکراتیك ، ضد آزا دی اوضد دیزا ی‌متحد او ترقیخواه قوتونو او په پاکستان‌کی‌دموکراتیك دخپلواکی اعمال پای‌ته ورسوی او په نتیجه‌کی به‌پاکستان‌کی‌دموکراتیك ژوند بیا ژوندی شی، دپښتونستان د بلو چستان‌ملت به دخپل‌سرنوشت ډاډکلو حق تر لاسه کړی .

به‌پای کی دافغا نستان دخلك ـ دموکراتیك‌قوت‌یوخل‌بیادپښتونستان‌ او بلوچستان او پاکستان دخلکو‌عادلانه مبا رز ژوند سره‌ دملا تړ ی او پیوستون له اعلان کوی ای دی ته بامللړنه ضروری ګڼی چه دپښتونستان او پا کستان دپښتنل عوامی گوند او نورو ضد استبدادی اوضد استعماری قو تونو

(ص ۴)

به سلسله اعترافات صدراعظم و وزرای افغانستان

وزیر مالیه و نظام مالیاتی در کشور ما

(از بیانیه شاغلی غنی‌وزیر مالیه خطاب به‌جامعین جرگهٔ استقلال کشور)

وزیر مالیه : مالیه ارا ضی کـه یك منبع عواید عمنوی است درسال ۱۲۹۹ به نرخ همان سال ارزشیی‌به نقدی تسعیر ودر ظرف پنجاه سا ل گذشته تنها یك مرتبه درسال۱۳۴۴ به تسعیر آن تجدید نظر شده ....

... محصول مواشی بحیث پشمینه است درسال عواید مستقیم بعد از تحول از نوع جنس به نقد تاسال ۱۳۳۵ به یـك اساس وبعد باتجدید نظر تحصیل و اخیرا در سال ۱۳۴۵ از قلم عوایـد دولت فعلا حذف شده تلقی‌میگردد .»

پرچم: با ملاحظه این واقعیت تلخ که در بیانیه شاغلی وزیر مالیه بـه صراحت موجوداست،بجز اینکه‌زهـر ـ خندی تحویل مقامات حاکمهٔ کشو ر داد ، دگر چه میتـوان گـر د ا ! انتقاد شدید بر چنین پالیسی مالی نمیتواند حق مطلب را ادا نمـایـد . تعجب آور است که وزیر مالیه‌کشور خود میگوید که فقط در سال ۱۲۹۹ مالیه ارا ضی به نرخ همان وقت از جنسی به نقدی تبدیل میگردد ونرخ تسعیر تا پنجاه سال دیگر همچنان باقی میماند ، در حالیکه درین مدت قیمت ها بیشتر از ده فیصد ارتفاع نمیابد ،ملاکان بزرگ‌میلیونها ثروت می اندوزند وده ها تغییر دیگر واقع نمیگردد .

شاغلی وزیر مالیه ناگـزیراست اعتراف نماید که نظام مالیاتی کشور وبخصوص مالیه ارا ضی یکـی از ابتدائی‌ترین، فرسوده‌ترین‌و بی‌کفایت‌ترین سیستم مالیاتی در جهان‌است، اما نمیخواهد به جرات این انتقـاد را برخود وحکومات سابق واردآورد

(ص ۳)

اعلامیهٔ سازمان دموکراتیك زنان افغانستان

به مناسبت اعمـال وحشیانـه اخیر اسرائیل علیه دختران عرب در غزه

سازمان دموکراتیك‌زنان‌افغانستان، نمیتواند از نفرین بـر آدمکشا ن اشغالگر امپریالیزم ، خاصتا دربرابر این جنایات نا بخشودنی آن ، خود دادی‌نماید .

سازمـان دموکراتیك زنـا ن افغانستان، دوشادوش‌کلیه سازمان‌ـ های دموکراتیك جهان‌ـ‌کار گران ، زنـان ، جـوانان وهمـه نیـرو های صلحدوست ومترقی‌جهـان ، همبستگی وهمدردی عمیق خودرا به فدراسیون تمام زنان عرب اظهار میدارد وحا ضر است در صورت تقا ضـای زنان وظبتریست ومبارز عرب ، در پهلوی خوا هران و برادران عرب خـود ، بخا طر تحقق اهداف عادلانـهٔ شان علیه تجاوز ومتجاوزین مادتاو معنا سهم بگیرد .

سازمـان دمـوکـراتیـك زنـا ن افغانستان ، اعتراض‌شدید‌خودرا‌علیه گلوله باری اشغالگران اسرائیلی به تظاهرات متعلمات غزه اعلام میدارد واز کلیه سازمانها ، نیرو ها وافراد صلحدوست جهان تقاضا میکند که صدای گرزاننده وطوفان خیز اعتراض شانرا در برابر اعمال وحشیانه وضد انسانی مقا مات اسرائیلی بلند نمایند واجازه ند هند که اسرائیل وحامیان آن امپـریا لیـزم ، بیشتر از این باوحشیگری‌هاوآتش افروزیهای‌خود وجدان‌بشریت را جریحه دار سازند. تقاضای ما و کلیه مردم جهـان اینست که مقا مات حاکمه اسرائیل نامهٔ ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ شورای‌امنیت ملل‌متحد را بطون وقفه تطبیق‌واجرا نماید .

(بنمایندگی از سازمان‌دموکراتیك زنان افغانستان وکومیته زنان نیروی دموکراتیك خلق افغانستان) .

دکتورس اناهیتا رتبزاد (وکیل شـورای ملـی ـ ولـسی جرگـه ـ افغانستان) .

بسلسله لغات واصطلاحات سیاسی :

درباره حزب و مفهوم آن

آزادی بحث ووحدت عمل

ـ ۳ ـ

ومشـوره آزاد ووسـیع در مسایل اسـاسـی واتخاذ آن به صورت دسته جمعی، یکی از بهترین متود های کار حز بـی را تشکیل میدهد واین امریست لازمی برای جمع بندی تجارب حاصله وآشکار ساختن نقایص ؛ تا اینکه اعضاء حزبی بـر صحت فیصله‌ها و تصاویب ایقان حا صل کنند .

دموکراسی داخل حزبی : یعنی اجرای دقیق و پیگیر اصول مرکزیت – دموکراتیك . دموکراسی داخل حزب یعنی انتخابی بودن کلیه ارگانهای رهبری حزب از پا ئین تا بالا ، کار جمعی در همهٔ این ار گانها، دادن گزارش در مقا بل سازمانهای حزبی براساس فعالیت خود ایشان ، استفاده از اصل انتقاد وانتقاد از خود در داخل حزب. حق هر فرد حزبی است که در بحث آزاد ،خلاق و سازنده در بارهٔ مسایل مختلف حزبی فعالانه شرکت نماید . دموکراسی حزبی فعالیت خلا قهٔ اعضاء حزب را برای تحکیم وحدت اصولی وانضباط آگاهانه حزبی ممکن می سازد . طرز اجرای دموکراسی حزبی طبق موازینیکه در اساسنامه حزب پی ریزی میشود ، تطبیق میگردد .

هر بحث متضمن انتقاد میباشد؛ انتقاد به‌منظور آشکار کردن نقایص، جستجوی ریشه های آن و ارائه پیشنهادات برای بر طرف کر دن آنها .

انتقاد وانتقاد از خود : بوسیلهٔ انتقاد و انتقاد از خود که اسلوب اساسی پی بردن به اشتباهات و کمبود ها در فعا لیت حزب ، و جلو گیری از تکرار آنها می باشد ، وحدت حزب تا مین می‌گردد. انتقاد وانتقاد از خود، وسیلهٔ مهم برای شرکت اعضا حزب در بارهٔ تعیین سیاست و خط مشی حزب میباشد. احترام به این اصل و اجرای دقیق آن دلیل زنده بودن وتحرك سازمان – ها و ثمرهٔ آن تقویت و تحکیم این سازمانهاست .مراعات این اصل از نظر تامین تجربیات و غنی گردن اصول جهان بینی علمی در پو تو واقعات مشخص و شرایط نوین، نیز اهمیت خاص دارد .زیرابدون تبادل آراء وبدون برخورد نظرات وانتقا د آزاد چنین پیشرفت امکان پذ یر نیست .اجرای این اصل ما نع ادامهٔ اشتباهات و نواقص می‌گردد .

چنین انتقادی به پیشرفت کـار و پرورش صحیح اعضاء کمك مـی‌رساند .اما حزب همیشه بین انتقادی که موجب قوت آن وانتقادی که باعث ضعف آن میگردد ، انتقادی که فقط به خاطر انتقاد صورت می گیرد وبه عیب جوئی محض مبدل میشود ، فرق می گذارد . حزب در عین حالیکه آزادی انتقادرا تامین مینماید، از آنهائیکه آنرا نقض کنند سخت باز خواست مینماید و به هیچکس اجازه نمیدهد که این آزادی را به منظور تضعیف صفوف آن بکار برد .

پس سوالی بوجود می‌آید که خط فاصل میان انتقاد سالم و انتقا دنا سالم کدام است ؟ مرامنامه حز ب، فیصله های حزبی واساسنامه آن ، این خط فاصل را تعیین مینماید . هنگامیکه حزب برای اعضاء خود حقوق و سیعی را قایل میگردد ،در عین زمان طبعاً از ایشان میخواهد که به مرامنامه ، اهداف وآرما نهای آن وفادار باشند . حزب دفـاع از نظرات ضد حزبی را به‌هیچو جه تحمل کرده نمیتواند وآنرا منافی با عضویت در حزب میداند .

باز هم سوالی طرح میگردد که آیا در ینصورت دمو کراسی حزبی تضعیف نمیشود و تخطی از آزادی بیان اعضاء حزبی نمیباشد ؟ نه ،به هیچوجه ؛ زیرا:«هر یك از اعضاء بدون هیچ ما نعی آزاد است که هر چه می خواهد بنویسد و بگوید، اما هر انجمنی از داو طلبان (به شمول یك حزب) هم آزاد است تا اعضا ئی را که نام حزب را به‌منظور دفـا ع از نظرات ضد حزبی استعمال می – کنند، ازصفوف خود اخراج نماید... حزب سازمانیست مبتنی بر اشتراك داوطلبانه و هر گاه خود را ازوجود اشخاصیکه مدعی نظرات ضد حزبی اند ، پاك نسازد ، انتداء از لحا ظ ایدئو لوژیکی و سپس از نـظر فـزیکی (جسماً) خـو ر د ومنحل خواهد شد . »

انضباط حزبی : قبل از آنکه تصمیمی اتخاذ گردد، ممکن است نظرات مختلفی ابـراز گردیده و نقاط نظر مخالف با هم برخورد نماید ؛ اما پس از اتـخا ذ تصمیم ، تمام اعضاء حزب بایدمانند یك شخص واحد عمل کنند واین جوهر انضباط حـزبی است کـه مستلزم آنست تااقلیت از اکثر یت تبعیت نماید و تصامیم حزبی را تمام اعضاء پذیرفته ،درمحل اجرا بگذارند. انضباط مو جب تحکیم سا زما ن میگردد ،اما انضباط باید آگاها نه ، مبتنی براقناع وداوطلبی با شد ؛ زیرا بدون آن شرکت فعال افـر اد در مبارزات پراز محرومیت اجتماعی میسر نیست. تامین انضباط یك امر جدا ومجرد از تمام حیات سازمان، هدفهای آن ، شیوهٔ رهبری سازمان و غیره نیست ،بلکه یکی ازشرایط اسا سی حفظ انضباط آگاهانه در یك سازما ن انقلابی ومسألهٔ مرکزی وحیاتی است. بدون انضباط حزبی ، حزب و جود خارجی ندارد و قدرت پیکار جو ئی آن بصفر میرسد .

انضباط حزبی یعنی اجرای دقیق و پیگیر مـوازین حـزبـی کـه درج اساسنامه است وانـجام وظـایفیکه متوجه هر فرد و سازمان حز بـی می گردد واجرای مرا منامه،اساسنامه ومصوبات حزبی و کوشش برای تحقق بخشیدن به تصوبیات حزب و مبارزه برای رسیدن به‌هدف وآرمانهای آن. انضباط دقیق حزبی شرط استحکام حزب، ووحدت اراده وعمل می‌باشد.

وحدت عمل به‌هیچ‌صورت بـمعنی آن نیست که تفاوت نظردر حـزب مو جود شده نمیتواند ، اگر چنین می بود حزب از یك سازمان ز نده به‌یکسازمان بیجان‌مبدل میگرد یـد. نقاط نظر مختلف و تفاوتها در مورد مسایل مشخـص در کـار روز انه ممکن است بروز نماید که‌این امر ی کاملا طبیعی است . انضباط حزبی از هیچکس نمی خواهد که عقیدهٔ خود را ترك نماید ، هر گـاه ایـن عقاید مغایر با اصول جـهان بینی علمی نباشد. اما حزب هر یـك از اعضاء خودرا مکلف و مجبور به‌اطاعت از فیصله های مصو به و تطبیـق آگاهانه وموثر آن (حتی اگر باآنها موافق نباشد و یا فیصلهٔ دیگر ی را پیشنهاد کرده باشد)می نماید . همچنین انضـباط حـزبی ایـجاب می‌نماید که عناصر تر قیخواه پیشرو مسایل درون حزبی را ، خارج ا ز حزب مورد بحث قرار ندهند .تمام این معیار هـای حیات حزبی ازتجارب جنبش طبقه کار گر بدست آمد ه است وبوضوح به‌اثبات رسیده کـه بدون انضباط آهنین ، حزب طـبقهٔ کار گر به یکسا زمان بی نظم مبدل می گردد که قادر به رهبری مبارز هٔ خلق کارگر بوده نمیتواند .

حزب در بـرابر آنـهائیکه از فیصله ها و تصاویب حزبی اطاعت نمی‌نمایند ،دارای مقررات سـخت ودقیق می‌باشد. حالاتی در احـزاب مترقی به‌مشاهده رسیده است که افرادیکه با مشی حزب مـو ا فقت نداشته اند ، دسته‌های خاصی ر ا بوجود آورده‌اند .چنین دستـه‌ها ی مخالف اکثریت حزبی گروه هـای توطئه گراند . اما بـرای احزا ب طراز نوین ـسازمانهای مبارزوفعال ـ تحمل گروه های توطئه گر در داخل حزب به معنی ترك وحدت اید ئـو ـ لوژیکی ورهبری مبارزه می‌باشـد . به‌همین جهت تشکیل چنین گرو ه ـ بندی‌ها در داخل حزب یا تقا ضا ی مبنی بر قایل شدن بعضـی انواع حقوق خاص به اقلیت ،مغـایـر ایجابات انضباط حـزبی‌است . البته آن حزب طراز نوین پیشاآهنگ طبقهٔ کار گر که رهبری آن سیاست خلاق مبتنی بر اصول مترقی را مر عـی میدارد. پس تمام اعضاء وکارگرانیکه دارای شعور طبقا تی انـد بـا یـد درك نمایند که‌هر گونه گروه بند ی خاص در داخل حزب که به طـو ر اجتناب نا پذیر تاثیر مجا هـد ا ت هم آهنگ راختنی خواهد ساخت ، زیان و لطمهٔ بزرگی بـ وحدت حزب وارد خواهد آورد وباید از تـمام ـ امکانات برای از بین بردن تو طئه های چنین گروه ها استفاده بعمـل بعمل آید .

او تورینه :

آیـا ا و تـو ر یـتـه فردی و جمعی در حزب لازم است ؟ بد ون تردید! بدون اوتوریته فردی رهبران وجمعی ارگانها حل مسایل سازمانی ومبارزه با دشواری انجام میگیرد . او توریته کار راتسهیل میکند .ولی او توریته باید طبیعی باشد نـه مصنوعی ،مبنی بر قبول داو طلبانه باشـد ، نـه‌براعـاب و تحمیـل . این‌بدان معنی نیست که‌دراطراف افراد وارگانهای واقعاً بااو توریته هیچگونه‌تبلیغی برای تعمیق این‌اوتوریته انجام گیرد ، ولی این‌بدان معناست که نباید تنها از طریق تبلیغ برا ی ایجاد او تو ریته‌کوشید .

* * *

معهذا در احزاب طـراز نـوین پیشاآهنگ طبقهٔ کار گر دمو کراسی وسیع با رهبری متمر کز وبااوتوریته و بحث آزاد با انضباط‌آهنین ووحدت عمل توأم گردیده است. دموکراسی بدون رهبری متمر کز حزب رابه‌یك اجتماع جدل و بحث تبدیل میکند . سنترالیزم بدون دمو کراسی‌با عث پیدایش بیرو کراسی در حزب می‌ـ گردد. ازسوی دیگر تلقین صحیـح دمو کراسی و سنترالیزم مو جب تکامل و سیع فعالیت ، ابتکار د ر حزب وایجاد رهبری نیرومند ، که دارای اهمیت فوق العاده درمبارزات سیاسی است ، میگردد .

هر حزب طراز نوین پیشاآهنگ طبقهٔ کار گر یك ارگانیزم ز نده است که تکمل می‌نماید واشـکـا ل فعالیت خود را تکمیل واصلاح می ـ کند . اصل خلاق سنترالیـزم ـ دموکراتیك ،احزاب‌طراز نوین طبقهٔ کار گر را قادر بدان میسازد که کار خودرا به طور انعطاف پـذیر پلان کنند ، مختصات جامعه را در نظر گیرند و با پرابلم هایی‌که مواجه می‌گردند ، بدرستـی بـر خـور د نمایند .

(پایان)

از (ص اول)

وظایف جوانان ما

این و آ ن سیـسـتـم تـعـلـیـم و تربیت ملاکی واستعماری ،این و آن ار گان تبلیغاتی جناح دست را ستی ارتجاع ودستوری امپریالیستی وغیره.

باید جوانان ما درك کنند کـه تعلیمات مجرد ومعلومات جامد وغالباً ار تجاعی مو جود کشور که ر وح طبقاتی سراپای آنرا فرا گرفته‌است ، قسمت اعظم مطالب آن با منا فع مر تجع ترین طبقات و قشر هـ ی جامعهٔ ما انطباق می کند ودرحقیقت حا می منافع استثمار گران وستم‌ـ گران کشور است .

وظیفهٔ جوانان ما ست که‌بتوانند ازمعلومات موجود ،درکشور ، آنچه را که مفید است و برای تقو یه تئوری انقلابی و علمی ضرورت است فرا گیرند و آنچه را که بدو ضدنجات خلق افغـانستان از یـوغ سـتم و استثمار است رد و افشاء نمایند و ذهن خود را که انباشته ازمعلومات غیر لازم و جامد وارتجاعی است پاك سازند .

و ظیفهٔ جوانان ما ست که با ید خودرا برای خدمتگزاری زحمتکشان اعم از کار گران و دهقا نان تجد ید تر بیت نمایند و در حا لیکه‌دربرابر ارتجاع وبیعدالتی احساس کیـن و نفرت داشته باشند ، در شرا یط کنونی جنبش ، سر نگون سـا ختن فئو دا لیزم و طرد نفوذ امپر یالیزم را ازکشور وظیفهٔ عمدهٔ خود قراردهند، از بورژوازی انتقاد کنند و آنرا فلج سازند واحساس و شعور مبا ر زه را در توده ها نسبت به دشـمـنان خلق احیا وتشدید نمایند .

اینست و ظیـفهٔ عمدهٔ جوانان مادر شـرایط کـنونـی کـه بـایـد پیشاهنگان مبارزه باشند و تـوده ـ های مردم را نیز بسوی مبا رز ه جلب کنند و مبین منـافـع آنـا ن باشند .

تشخیص این و ظائف عمده‌واجرای آنها مستلزم آنست که جوا نـا ن ما‌اخلاق‌مترقی‌ونوین‌راکسب نمایند .

وظایف‌جوانان ما برمبنای اخلاق مترقی ونوین :

اخلاق همراه با جامعهٔ بشری پدید آمد ، اخلاق یا آداب و رسو م مجمو عه موازین و قـواعـد رو ش انسانها د ر جامعه است . اخـلاق که خصلت طبقاتی دارد ،نظر یا ت انسانها را در بـزهٔ عدا لت و بی عدالتی ، نیکی و بدی ، شرافت وبی شرافتی و غیره ، مشخص میسازد. در جامعهٔ که به طبقات متخا صم تقسیم شده ، در پهلوی اخلاق‌مسلط طبقهٔ حاکمه(استثمار گران)، اخلاق استثمار شوندگان نیز وجود دارد . هم اکنون در جهان‌اعم از کشورهای پیشرفته سرمایه داری وکشورها ی آسیائی ، افریقائی و امریکای لاتین اخلاق فئودالـی و بـورژ وازی د ر برابر اخلاق توده های عظیم خلق و بخصوص کار گران قرار دارد . به طور کـلی امروز در جا معـهٔ مـا دو نـوع اخلاق در برابر یـکدیگر در مبارزه اند : اخلاق مسلط طبقه حا کمهٔ ارتجاعی و اخلاق نـو یـن و متر قی .

سخنگویان ارتجاع ومدافعین امپر ـ یا لیزم در کشور هر روز نعره می‌ـ زنند و عربده می کشند که عناصر متر قی اخلاق ومعنو یات ندا ر ند و سو سیا لیزم علمی مخا لـف اخلاق است. این تبلیغات زهراگینی است که از فـردای روز تحصیـل استقلال تا کنـون مر تجعین و جوا سیس انگلیس ، امریکائی ، پاکستانی درعباها وقبا های دراز و نقابهای سیاه و قیافه های فریبنده آنرا نشخوار می کنند .

ما با کمال جرأت وصراحت میگوئیم که اخلاق و معنویت ما کا ملا تابع مبارزهٔ طبقاتی ز حمتکشان ومنا فع آنان است ، ووظیفه جوا نان ما در شرایط کنونی اینست که هر کو نه منافع‌را تابع این مبارزه نمایند .

به این معنی معنویات و اخلاق مترقی و نوین جوانان ما عبارت‌است از انهدام شرایط کهنه ستمگر و استثمار گر واتحاد باکلیه زحمت ـ کشان کشور در پیرامون طبقهٔ کار ـ گر جوان و سازمان طراز نو یـن سیاسی و پیشاهنگ آن.

باید ـ در نظر داشت که هر گا ه جوان افغان خودرا از زنجیر نظرات و عادات کهن آزاد نسازد ، معنی آن این خواهد بود که یا خود رامورد غارت طبقه حا کمه قرار دهـد و یا و سیلهٔ غارت خلق قـرار گـیرد و بگوید که «من» چرا خودرا و قـف خلق سازم ، چرا من هم با همدستی صاحبان قدرت ، بورژواوبیروکرات نشوم و در صدد سود برا ی خود نباشم ! این اخلاق معامله گـر ا ن و سود پرستان است !

اخلاق ارتجاعی بورژوائی ر وی استثمار استوار است و معیار این اخلاق را سود شخصی تعیین میکند که دارند گان چنین اخلاقی بـرای تحصیل منفعت ،تمام موازین اخلاقی انسانی را زیر پا می گذا رند و منافع شخصی خود را ما فو ق همه چیز قرار میدهند و می گـویـنـد : «انسان گرگ انسان است»، ملاك همه چیز پول است . اخلاق بو رژ ـ وازی عشق ، شرافت وو جدان را مورد خرید و فروش قرار میدهد .

اما و ظیفهٔ جوانان پیشتاز وپیشرو اینست که اصول معنویات واخلاق متر قی و نو ین و انقلابی را درخود پرور ش داده و آنرا رهنمای عمل خود قـرار دهند .ایـن‌وظیفه را جوانا نیکه از نزدیك دیده اند کـه پدر ان ومادران شان چگونه درتحت استثمار و ستم از بابان ،فئو دا ل و متنفذین قرار دارنـد ، بهـتر و سربعتر درك می کنند .

ما به صراحت اعلام میدا ریـم که متر قی ترین ، انسانی تر یـن و اصیل ترین اخلاق در جهان ا ن اخلاقیست که مبین منافع اکثریت قریب به‌اتفاق اعضای جامعه باشد ، نه‌بیان کنندهٔ منافع مشتی از ستم ـ گران و استثمار گران‌در جامعه .

در ین روز ها باز آن دارودستهٔ «مهم» اجنت های انگلیس سر بـر ـ افراشته اند و فتنه انگیزانه تلا ش می ورزند بشیوه سیاه اسلاف خودو به دستور اربابان جدید خود اخلاق نوین ومترقی را با لکه دار کرد ن سو سیا لیزم علمی در افکار خلق نجیب افغانستان منقلب سازند ، در حالیکه اخلاق مترقی و نوین مظهر آن‌قواعد اخلاقی است کـه تـو ده ـ های خلق ملل جهان در مبار زه بـا استثمار گران و ستمگران ودرمبارزه با مفاسد اخلاقی مسلط طبقهٔ حاکمه بدست آورده انـد ، بخصوص‌اخلاق طبقهٔ کار گر که متر قی ترین طبقهٔ جامعه معاصراست ، در تکامل ورشد اخلاق جامعه نقش عظیمی دارد . در مـاهیت امر ایـن زحمتکشا نـنـد که می‌کوشند تااصیل ترین قـواعـد انسانی حیات را بر مبنای ر وا بط دو ستی ، برادری ، رفاقت،همکاری و کمك متقابل انسانهای آ زاد ا ز یوغ استثمار انسان‌از انسان‌استقرار بخشند .

تئوری علمی زحمتکشان بـا رد اصول طبقاتی استثمار گران و در برابر نظریات وعادات انحرافی وخود پرستانه جهان کهنه، اصول اخـلاق پیشرو، یعنی‌عادلانه‌ترین وشریف ـ ترین اخلاقیات را قرار میدهد کـه انعکاس‌دهنده منافع و آرما نـهای کلیه جا معهٔ بشریت زحمتکش‌است.

خلاصه اینکه : وظیفهٔ عـالیـهٔ جوانان کشور ما ست کـه اصول وموازین و قواعد اخلاق مترقی‌ووطن پـرستانه نوین زیرین را که برمبنای جهان بینی علمی تنظیم گـرد یـده است ، بمثابه جوهر شخصیت خود درخویشتن‌رشدوپرورش دهند :

ـ و فاداری به آرمانهای پیشـرو زحمتکشان ؛

ـ احساس مسؤولیت در بـرا بر خلق ، خدمت به‌خلق ، تواضـع در برابر خلق ، اندیشیدن به ر نجهـا و منافع اکثریت عظیم خلق ... اندازه در راه آزادی خلق ؛

ـ عشق به وطن ، دفاع ازاستقلال ملی ، مبارزه در راه ایجاد نـظا م مترقی‌ونوین اجتماعی واعمار وطن ؛

ـ دفاع از صلح ، آزادی ملـل و دموکراسی ؛

ـ آشتی نا پذیری بادشمنان خلق ووطن ، باطبقات ستمگرواستثمار ـ گر ، بااستبداد وار تجاع، بااستثمار وستم ملی، باخصومت نژادی و ملی، باجنگ ،استعمار وامپریالیزم ؛

ـ تقدم مصالح جامعه نسبت به مصالح فردی وشخصی ؛

ـ صفای معنـوی ، سادگـی و فروتنی در حیات اجتماعی وشخصی تقوی ،صداقت و پرورش عنـصر ز حمتکشی ، انضباط و دلـیری در خرد ؛

ـ احترام به‌جامعه،خانواده وانسان زحمتکش و مترقی و سعی درپرورش کودکان ؛

ـ مبارزه علیه بی عدالتی، مفت ـ خوری ، جاه طلبی و خود خواهی ، حرص و آز و ترس، تجاوز به‌منافع اجتماعی وملی و عدول از شرافت .»

در خاتمه : این وظیـفهٔ مقد س جوانان افغانستان است که اخلا ق مترقی نوین فورمولبندی شدهٔ فوق رازدر خود پرورش دهند وکـوشش کنند که بـا مظاهر ایدئـولوژی و اخلاق فئودالی وبورژوازی، با روحیهٔ مالکیت ستمگرانه و استثمارگرا نه خصوصی ، قهرمانانه و بر شـو ر مبارزه کنند .

وظیفهٔ جـوانان دلیر و نجـیب افغا نستان است کـه با الهام ا ز نیاکان قهرمان خود وتمام‌قهرمانا ن بشریت مترقی درسمت رهائی خلق افغانستان ،بخود جرأت‌پیکار‌بی‌امان دهند ، از دشواری‌ها نهرا سند و قدم‌به قدم، موج‌بموج پیشروی‌کنند. تنها بوسیلهٔ پرورش معنویات‌و شجاعت اخلاقی درخود است که‌تمام اهریمنان افعی صفت از جامعهٔ محو و نابود خواهند گشت ، ظلمت و تاریکی به‌زودی از جامعهٔ ما رخت برخواهد بست و خورشید سعاد ت واخلاق بشر دو ستانه مترقی‌ونوین خواهد در خشید و خلق افغانستا ن به پیروزی کامل دست خواهد یافت .

از (ص اول)

وزیر مالیه ونظام...

آوری میگردید، از یکطرف مالدارا ن بزرگ ازپرداخت‌آن باحیل‌گوناگونی خودرا معاف میساختند واز سوی دیگر وسیله آزار دهندهٔ‌ئی بـنـا م «هست و بود» بـرای د هقـانـان و زحمتکشان ومالداران کوچك‌دردهات کشور بود ، که مجبور میگردیدنـد حتی از چند رأس‌حیوان اهلی‌محدود که در واقع وسیله تـولید وامرار معیشت شانرا تشکیل‌میداد ،مالیات مواشی به پردازند .

هنگامیکه اعتراضات شدید مـردم درین مورد بالا گرفت ، حکومت در سا ل۱۳۴۵ نـتـوا نست جر أت نماید تابشکل واقعی‌آن،مالیات‌مواشی را تنظیم‌واز مالداران بزرگ حصول نماید . بنابرآن غرض خوش آمـد مالداران بـزرگ صاحـب نفـوذ ، بـه سادگـی ازین منبع عـایـد مستقیم دولت صرف نظر گردید و بگفته بناغلی وزیر مالیه «فعلا حذف شده تلقی میگردد».اما سوال میشود که‌بناغلی ضیائی به صفت وزیـر مالیه چطور راضی میشود ازین قلم عاید مستقیم‌بخاطرگل روی مالداران بزرگ ومتنفذ صرف نظر گردد ؟ از سال ۱۳۴۵ تاکنون چرا اقدامی در زمینه صورت نگرفته است ؟

جواب باز هم ساده است : برای اینکه حکومت که نمایندگی ازمنافع ثروتمندان ،ملاکان ومالداران بزرگ مینماید ، قدرت آنرا ندارد دست به عملی بزند که لطمه ئی ولو جز ئی به منافع آنان وارد آید .

وزیر مالیه :«از جمله عواید غیر ـ مستقیم عواید گمرکی که مربوط به وضع تجارت خارجی مملکت است‌در سالهای اخیر تزئید قابل ملا حظه رانشان میدهد .

(ص ٤)

دلغمان خلك دبیگار په منگولو کی

خوتنو کلیوالو دلغمان د«علینگار»دخلکو هغه شکایتونه موږ ته لیکلی‌دی چه دسیمی له خانانو ، ملکا نو او حکومت نه یی لری . دوی لیکلـی‌دی :

« دلغمان حکومتی مقاماتو اوورپسی‌محلی زور آورانو (خانانو ـ ملکانو) پر موږ غریبو خلکو باندی دهر قسم بیگار (مالـی او ځانـی) خساری ،صرفه ندہ کړی او نه یی کوی .

په همدی دوره کی چه حکو متـی مشرا ن هره ورځ دد مـو کراسی او عدالت ناری وهی ، هماغه پخوا نـی بیگارونه ، لکه قا نونی وظایف په موږ اجرا کیږی . جسمـی بیگار او اجباری کار خو لا پرېږده چه ورسره عادی شوی یو ، سخته داده چه موږ دیوه وخت سوکړك ته حیران یو او دوی (حکومت او ملکان) په موږ باندی دپیسو بیگار چلوی .

له خو ورځو را په دیخواد(برکوټ) دپله دجوړیدو بیگار حواله شویدی . څنگه بیگار ؟

داسی بیگار چه یوخوبه داحصائیی داساسی له رویه په (هر ځوان ، زاړه واړه ، فراری مړه اونا قل) باندی سړی سرلس افغانی پری کیږ ی‌او په دی‌کی به‌دعدالت(!)رعایت‌هم‌کیږی، یعنی دورووری او برابری (!) په اساس‌به په هرووری‌اوماړه باندی‌فقط همدا‌لس افغانی وی . بل داچه بیگار به پول دهمدی برابری(!) په اساس کالی او په دی کی پله تـه دنیږدی‌خلکو‌اولری خلکو توپیرنشته. نوځکه موږ دولس والی‌نه رابنکته خلك لکه د (کتل، میدانی ،بصرا م، سلینگار ، قصبه ، بدیع آباد ،گنبه، تیینکور) اوسیدونکی چه دپله‌له‌ځای نه پنځوس کیلو متره لری یو او په موټر کی مود تگ راتگ کرایه دهر نفر په سر دیرشو افغا نیو تـه رسیږی ، په دی مکلف شوی یو چه دا بیگارو چلوو .

خوورځی دمخه دهمدی بد مرغو بزگرانو یوه ډله راټوله شوی وه او د خپلی بد مرغی په باب یی خبری سره کولی . په مرکه‌کی ډیر څه وویل شول چه دا خو تکی یی دنمونی په توگه تاسوتـه در لیکو ، یوه سپین زیری بوډا وویل : او خلکو! تاسی ښه وگوری، **پتی دوی‌واخیسته؛ ماموریت دوی واخیست ؛ زمن ددوی مکتبیان شول . دکابـل کورونه او دلغمان کلاوی ددوی شوی اوبیگارونه په موږ چلوی !**

بل وویل : دخدای دپاره ، تا سو خوښه وگوری چه دوی له موږ سره څه کوی ؟ سږ کال چه غنم‌باد ووهل او اجاری را باندی واوښتی ، دوی په‌هماغه خپل اجاره خط باندی هم‌له موږ سره رفتارونکړ . په اجاره خط کی خو ښکاره لیکل شوی دی چه «که آفت سماوی نازل شو اجاره ماتیږی او دحاصل دریمه برخه به بزگرته‌ورکول کیږی .» آیا دوی دی آفت سماوی ته وکتل ؛اوله خدایه ویره ورپدا شوه ؟ آیا ددوی پـه اجارو کی زموږ دوریجو فصل او داولاد دخولی ډوډی لاړه نشوه ؟آیا زموږ غوا‌گانی او غوایی داجارو په تاوان کی خرڅ نشول؟نو نورڅه لـه کومه پیدا‌کړو چه په دی نویو بیگارو کی یی ورکړو ؟

خدای چه تللی نه یم او دوانی په مخ کی می ځان‌مړ کړی نه وی ؛ داجزیه اوعیال نفقه زه زیاتی نشم یو ره کولای !

یوه بل بزگر وویل:آخر څه‌به‌کوو، دخوراك ډوډی مونښته او دو ی بیگار وته را باندی حواله‌کوی ؛ که حکومت داحال نه وینی دغه زموږه ملکان او خانان خو‌یی وینی .

بل سړی وویل : بلا ور پسی ،که چیری دا زموږ وطن زموږ په هډوکو هم آبادشی ـ آباد دی شی . خو غم داده چه زموږ دا هډوکی هم دغـو خوتنو وخوړل او وطن ته‌څه وورونه رسیدل .

هغه د (کتل) دمکتب بیگار خو به موبه یادوی ؛ دمکتب دجوړیدو لپاره (۵۰) زره افـغانـی دبیت الـمال منظوری شوی او (۵۰) زره یی په موږ باندی (ریزش) کړی . او دادی تاسی یی پخپلو سترگو وینی چه دمکتب دیوال تر (۵ر۱) مترزیات‌ندی لوړ شوی . زموږ یوه خان چه (۱۸) زره افغانی یی‌مکتب ته ټولی کړی وی ، شپږ زره یی حکومت ته‌ورکړی اونوری یی پخپله گیډه کی واچولی. داسی نران ملکان هم ووچه خدای که یی یو پول هم حکومت ته ور کړی وی او ټولی یی پخپله وخوړی .

خلکو همدا راز دخانانو او ملکانو دسؤ استفادی ډیری خبری وکړ ی او زیات شکا یتونه یی بیان کړل . موږ خو تنو دا موضوع تا سو تـه ولیکله چه دخلکوپه دردونو کی یی خبره کړی ، او ددی مظلومو خلکو آواز نورونه ورسوی .

کارگران وطنپرستی که

فراموش خاطر والای(!) قانونگذاران شده‌اند!

یکی از کارگران کـه نام خودرا«شیر احمد نجرابی» معرفی کرده درمورد دفاع از کارگران اجیر نوشته است : «کارگران‌اجیرکه بنام‌کارگران«قرار دادی» هم یاد میشوند ، در مجموع خود تقریبا اکثریت‌کار گران وطن محبوب ما را تشکیل میدهند .

اینانند که ماشین های بزرگ رابکردش می آورند ، برمه ها را در دل بیابانها فرو میبرند ، کوهها رامی ـ شگافند ، در یا ها را مهار میکنند ، سکوت دشت هارا می‌شکنند وآرزوی انسان هموطن را بر پدیده های‌طبیعت می‌قبولانند واین همه را بقیمت‌حیات وامنیت خود انجام میدهند وبسا که درین راه معیوب می شوند ، صد مات جبران نا پذیر می بینند وحتی‌قربان می گردند .

در برابر اینهمه خد متگزاری وسخاوت این کار گران ، از یکسو شرایط طبیعت بیر حم واز سوی دیگر درشتی وزشتی پیش آمد ما مورین وکار فرمایان ، هر دو متحداً بجان این بیچار گا ن افتاده‌اند. بـدتر از اینها اینکه خاطر والای قانونگذار (!) نیز از رویهٔ ناجوانمردانه در مـورد اینان دریغ نکرده است . قانونگذاران هرگز بفکر آن نیفتاده اند که اینـان انسانـنـد . بغذای کافی ، معاش‌لازم ودر زمستانها به تسخین ضرورت دارند ، آنان به سر پناه محتا جنـد ودوا میخواهند .

قانونگذار فرا موش کرده است‌که وقتی این کار گران شور جوانی را د رخد مت‌وطن ومردم بسرمیرسانند، در ایام پیری بحقوقی محتاجند . از آنجهت‌آنان‌را ازحقوق تقاعد محرو م کرده است(!)ـ گویا بحکم‌قانونگذاران باید این کارگران اصلا به پیری نرسندوحتماً‌درجوانی‌بمیرند.وقتی کار یك پروژه بانجام میرسدوتعداد قلیلی از ایشان در پروژه های دیگر وارد کار میشوند ، سه یا چهار درجـه پایانتر از رتبه هایی مقرر میشوند که در پروژه اولی دارندهٔ آن بودند .

اگر قانونگذاران (!) هنگام عبور مغرورانه ازجاده های بزرگ کشور بخاطر بیاورند که کدام گروه ایجاد این جاده را ممکن ساخت . اگرهنگام فرود آمدن طیارات شان در میدانها فکر کنند که کیان راه فرود آمدن‌این پیکر های غرنده را هموار نمودند ، کدامها شب ها را در دل کوهستانها بخاطر پیروزی کار بدون خواب بصبح بردند ،چه کسانی دغال‌بخاری سالونهای ایشانرا از شرائین کـوه برون می آورند وبالاخره‌کدام جماعت شاقه ترین وظایف را در راه اعمار وطن بدوش دارد ، حتماً چنا ن غفلتی رادر مورد کار گران روا نمیداشتند وخدمتگاران رابفراموشی خاطر وچنگال فقر وبد بختی نمی‌ـ سپردند .

*

کارگران اجیر بر قانونگذا ران اعتراض می کنند وتاریخ کشور ماا ین فروگذاشت راعفو نخواهد کرد .»

دردها، شکایتها واعتراضات خلق

گرانو لوستونکو او محترمو دوستانو !

ستاسو له خوانه پرله پسی موږته ، دپیغا مونو او شکا یتونو کاروان‌را روان دی ، خو کله‌کله ستا سو محترمو دوستانو لیکنی ، رو ښنانه‌لاسلیك او واضح پته نلری ، نوځکه‌موږ ته ددغو لیکنو په باب تـر دد پیدا کیږی او نشو کو لای چه هغه‌خپری کړو .

زموږ غوښتنه ستاسو محتر مـولوستونکو څخه داده چه تر خپلـولیکونو لاندی په واضح توگه خپل نوم او پته ولیکی او بیا که غوا ړی‌چه‌ستاسو مضمون په مخفف اویامستعار نوم خپورشی هغه پخپلو لیکو نو کی موږ ته رامعرفی کړی .

سنگک کشان زحمتکش آب میخواهند

در جنوب شرق عاشقان وعارفا ن(مربوط‌ناحیهٔ ۹) زیرکوه شیردروازه‌محلهٔ سنگ کشان کابل واقع‌گردیده‌است . این سنگ کشان که بیش از نصف تهداب های کاخهای قصرنشینان کابل را ، باتحمل رنجها ی‌حوصله فرسا تهیه کرده اند ودربدل‌آن عمر ها وجوانی های خودرا از دست داده اند ، در بد ترین شرایطزندگی بسر میبرند . آنان مجبو رندازخم‌وپیچ کوچه های‌شکسته وتنگ ،از بین خانه هاییکه در سراشیب‌کوه چون لانهٔ زنبور یك بر دگر تکیـه‌کرده اند ، بگذرند وبخاطر حمـل‌دوسطل آب ساعتها‌وقت خودرا‌صرف نمایند . در ایام دشـوار زمستان وشرایط نا گوار موسمی حمل آ ب‌مورد ضرورت خا طرات وحـوادث‌رقتباری ایجاد میکند . بساکه اطفال‌حا مل آب با کوزه ها وظروف لغزیده و جراحت بر دا شته اند . حمل‌آب‌اکنون در محله سنگ کشان خاصتا برای خانواده هاییکه در آنها پیران ،زنان واطفال در کـار آبرسانی‌جان‌کنی‌دارند، واقعیت‌دردانگیزی است .

مردم زحمتکش این محله‌که تاکنون‌بار ها بخا طر آب آشا میدنی بـه‌نباروالی روی آورده اند و نتیجه ئی‌نگرفته اند ، جداً بر اهـمال وفرو‌ـ گذاشت نباروالی اعـتراض نمـوده‌وفریاد برمیدارند که : **آب،آب،آب!!**

پرچم : مطالبهٔ زحمتکشا ن سنگ‌شکن را جدا تا یید نموده وتقا ضامیکند‌که هرچه زودتر نل‌آب‌آشامیدنی‌بمحلهٔ سنگ کشان کابل، واقع‌ناحیه (۹) تمدید گردد .

په موسی کلاکی له یوه معلم سره

دخانانو بی حرمتی اود ولسوال رفیقانه(!) سکوت

ښنا غلی عبدالقیوم «زیار مـل»له لشکرگاه نه دپرچم په عنوان‌لیکلی‌دی: «... دیوخان زوی، دموسی کلاد منځنی ښوونځی زده کوونکی چه ددی سیمی دیوی ستری اومعتبـری‌کورنی غړی دی، ددرس په رسمی‌وخت‌کی له یوه سړی سره‌په‌دکان‌کی‌ناست‌و. ناڅاپی یومعلم چه ښوونځی ته تلونکی‌و، راپیدا شو اوپه دی‌زده کونکی یی سترگی‌ولگیدی.له‌هغه‌نه یی غوښتنه وکړه چه ښوونځی ته‌لاړشی. مگرده ونه منله اوله معلم سره یی لفظی مشاجره شروع کړه.معلم خپله لاره ونیوه اولاړ.

کله چه معلم ما سپښین ستړی‌ستومانه خپلی کو ټـی تـه راغـی‌نودزده کونکی د کورنی خانان پسی‌راپیدا شول‌اوخپلو نوکرانواوناظرانو ته یی په معلم باندی دحملی او وهلوامرورکړ. په پای کی‌یی له غریبگوتی‌معلم نه ټولی جامی وایستی، متپی‌یی‌وروټرلی او لوڅ یـی په بازار کی وگرزاوه .

کله چه د ښوونځی شاگردان‌دخانانو پدی شهکاری (!) خبرشول‌مخامخ دولسوال(حاکم) کورته‌ورغلل.ولسوال له همدی پیښی نه چه ټول خلك‌پی خبروو ، ځان بی خبره وښود اووعده‌یی ورکړه چه خانان به دخپل عمل سزاته ورسوی. سبانه معلومه شوه چه و لسوال صاحب (!) دمظلومو (!) خانانو دتسل لپاره،معلم بندی کړیدی‌اوخپله وجدانی‌وظیفه(!) یی سرته وسولی ده .

دشاگردانو دجدی غوښتنی په اثر هغه غریبگوتی‌معلم‌دوه ورځی‌وروسته له بند څخه راخلاص شو .

همدا اوس چه دغه کرښی لیکم، په خلکو کی آوازه ده چه خانان دهیلمند ولایت ته راغلی دی‌اوغواړی چه داپیښنه دسل هـاوو نورو پیښنو په خیر ترخاورو لاندی کړی.

ولسوال صاحب (!) هم رفیقانه سکوت کړیدی اودخپلی بقا او گتی پرمعیار عمل کوی.»

پرچم : دادهیواد دفیوډالیزم، هغه ژوندی‌مظاهر دی‌چه‌تل‌یی په‌افغانستان کی دنوی معارف دنهضتونو مخه نیولی ده او اولاتر اوسه هم دحاکمه محافلو له خوا حمایه کیږی .

تاکسی دریوران بر رفتار ترافیک کابل

اعتراض می کنند

بتاریخ ۲۲ دلویك عده ازنمایندگان تاکسی دریوران زحمتکش وطن ما به‌ادارهٔ پرچم آمدند وشکایت زیر ین را جهت نشر بجریده سپردند :

« از چندیست‌که مدیریت ترافیك کابل، بدون اعلان ویا ابلاغیهٔ رسمی‌در جراید ورادیو ، بیش از هـزار تکسی دریوررا مزاحم شده . برای آنکه از طرف شب میان موتر هـا ی‌تکسی وشخصی فرق وتفاوتی شود، جبراً بدون موافقهٔ ما، چراغهای‌مخصوصی را با اجرت ولین دوانی‌وغیره به قیمت بیش از چهار صد افغانی توسط شرکت سرویس‌درموترهایما نصب مینمایند .

تا جاییکه معلوم است این‌چراغها قبلا توسط تا جران دلال تهیه شده و اکنون بصورت تمهیدی وجبری برما میفروشند .

ماتاکسی دریوران کـه درپروژه های دولتی وانفرادی کاری نیافته ، ناچار با هزار رنج وخواری ،باقساط طولانی ومبالغ گزاف تکسی ها یرا خریداری کرده ، شب وروز در خدمت همشهریان استاده ایم، باز هم علاوه برعوارض دیگروتکس‌ترافیك، روزی نیست‌که ادارهٔ ترافیك کابل یـك مزاحمت جدیدی برای ما پیدانکند .

ما‌به ترافیك میگوییم که چرا خود تان این چراغهارا وارد نکردیـد وبقیمت تمام شد ویا به نفع‌کم آنرادر اختیار تکسی دریوران قرار ندادید؟ چرا بموسسات داخلی که میتوانند نوع بهتر این چراغها را بقیمت ارزانتر بسازند موقع داده نمیشود ؟

چرا اجازه میدهید که د ستر نج مارا ، آن دگران بجیب خود بیندازند وملیونهای آنان ملیارد ها شود ؟

مابرین وضع اعتراض میکنیم و تغییر این وضعیت را میخوا هیم .»

(محل امضاء ٥٤ درایور)

از (ص اول)

شرایط زندگی وکار...

شده،اماا کنون که‌قیمتها‌چندین‌باربلند رفته ، در مورد حفظ تناسب وازدیاد آن ، متناسب به نرخهای مـوجود ، کوچکترین توجهی به عمل نمی آید.

ـ معلمان در ولایات ودر منطقـهٔ کار شان‌از هیچگونه حقوق‌کوپراتیف وکوپون استفاده کرده نمیتوانند و هم مبلغ پنجاه افغانی که به عنوا ن غلگی (!) بعوض‌قیمت پنجسیر گندم (مطابق نرخ دهها سال‌قبل) بایشان تادیه می گردد ، اکنون بنابر بلند رفتن قیمتها حتی برای خریداری دو سیر گندم هم کفایت نمیکند .

ـ اگریکی ازمعلمان بنابراشتباهی حتی بیك روزه کسر معاش محکـوم شود ، خلاف قانون ترفیع وتقاعد مامورین ملکی ، از یك رتبه ترفیـع محروم می گردد .

ـ فارغان‌صنوف۱۲ و لیسانسـه ها باآنکه در دوره های تحصیلـی خویش بقدر کافی وبه سویه هـای عالی لسان پښتو را فرا می گیرند ونمرهٔ کامیابی حاصل می کنند ،باز هم باید در کورسهای اکابر پښتو ، نزد معلمانیکه به مراتب سویه آنها حتی ازشاگردان شانهم پائینتراست، درس بخوانند؛ درحالیکه لازم است در خور سویهٔ آنها کورسهای‌عالیتر ومعلمانی لایقتر تهیه شود. وهمچنان هیچکس حاضر نمیشود برای بلند بردن سویه علمی و مسلکی معلمان بکلوریا پاس در ولایات ،به‌تاسیس کورسهائی بسویه صنوف ۱۳ و۱٤ اقدام کند ویا لااقل کـورسهای موجود مرکز را بغرض استفادهٔ عدهٔ بیشتری از معلمان انکشاف دهد .

ـ به‌فارغان‌دورهٔ متوسطه اصول‌ تحریر ودارالمعلمین سابـقـه معاش امتیازی داده می شود واماسایـر فارغان صنوف نـهم قطعاً معا ش امتیازی ندارند؛ درحالیکه بایددستهٔ اخیرالذکر نیز ازین امتیاز برخوردار باشند .

ـ تبدیلی معلمان ازیك منطقه بـه منطقهٔ دیگر به صورت جبری وبـه ملاحظات خاص و مشخص سیاسی صورت میگیرد وهرگز به موثریت و تسهیلات کار معلم در منطقهٔ خودش اهمیتی نمیدهند .

مواد فوق که انعکاس‌دهندهٔ برخی ازمشکلات وخواستهای‌مبرم‌وضروری معلمان ولایات کشور است ،گـواه بارز این مدعاست که به‌حال ایـن گروه زحمتکش وفدا کار اند کترین توجهی نمیشود. زیرا بروشنی‌معلوم است که اگر باحقوق و مشکلات‌آنان برخورد دموکراتیك و قانونی‌صورت گیرد ،حل وتامین آن قسمت‌ادر قانو ن اساسی‌ودیگرقوانین مملکتی‌پیش‌بینی شده و قسمتی هم بتو چه و لیا ی امور مربوط است ودر موارد دیگـر میتواند اقدامات مقدماتی آغـاز شود .

اما ،این دیگر مسلم شده است که حتی تأمین همـین حد اقـل خواستهای معلمان شریف ولـی محروم معارف مملکت ممکن نیست، مگر آنکه اتحادیه دموکراتیك معلمان سر تاسر کشور ، توسط خودشان وبه اراده خود شان ، به وجود آید وهمه در یك صف متحد وآهنیـن برای احقاق حقوق پـامال شده و تأمین یك زندگی آبرو مند و شرایط بهتر آموزش وپرورش در کشور ، بصورت پیگیر مبارزه کنند .